Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Twentieth year, No 79, Spring 2026

The Cultural and Social Advancement of the Mahdist Society: With Emphasis on the Prophecies of the Ahl al-Bayt (A.S)

Dr. Fatemeh Dastranj [1]

Dr. Reza Mahdiyanfar [2]

Neda Soleimanifar [3]

Abstract

The prophecies recorded in the sources of the Ahl al-Bayt (A.S) provide a systematic image of an ideal society in the era of the Appearance, the realization of which requires profound cultural and social transformations. This research aims to explain and extract the factors affecting the cultural and social advancement of the society of the era of the Appearance, utilizing a documentary-library method based on the content analysis of narrations and Shiite commentaries. The criterion for evaluating the sources was the recourse to authentic narrative texts and the alignment of extracted concepts with theoretical frameworks of culture and society. The findings indicate that the anticipated progress in the Mahdist society is the product of a combination of several structural and behavioral components: the establishment of comprehensive justice, the deepening of public cognition and insight, the systematic struggle against ideological and moral deviations, the strengthening of social bonds based on religious brotherhood, the provision of judicial and infrastructural security, the advancement of public health and medicine, and the development of communication and information tools. These factors, through their interaction, serve as the foundation for the realization of the "Good Life" (al-Hayat al-Tayyibah) and a modern Islamic civilization. The result of this research, in addition to expanding the theoretical understanding of the foundations of Mahdism, can provide a cognitive framework for designing cultural-religious policies and interdisciplinary studies regarding the preparation of the awaiting society.

Keywords: Mahdism; Prophecies of the Ahl al-Bayt (A.S); cultural advancement; social advancement; social justice

1. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran (f-dastranj@araku.ac.ir)
2. Associate Professor, Department of Tafsir, University of Qur'anic Sciences and Knowledge, Qom, Iran (rezamahtab52@yahoo.com)
3. PhD Student in Qur'an and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran(Corresponding Author) (navay.neynava@gmail.com)

مشـــرق موعود
فصلنامـه علمـی - پژوهشـی مهدویـت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره بیستم/ شماره ۱ (پیاپی ۷۹) / بهار ۱۴۰۵

پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه مهدوی با تاکید بر پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام *

فاطمه دست‌رنج [۱]
رضا مهدیان‌فر [۲]
ندا سلیمانی‌فر [۳]

چکیده

پیشگویی‌های منقول در منابع اهل‌بیت علیهم‌السلام تصویری نظام‌مند از جامعه‌ای آرمانی در عصر ظهور ارائه می‌کنند که تحقق آن مستلزم تحولات عمیق فرهنگی و اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین و استخراج عوامل مؤثر در پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه عصر ظهور، به روش اسنادی ـ کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل محتوایی متون روایی و تفاسیر شیعی انجام شد. ملاک اعتبارشناساییِ منابع، رجوع به نسخه‌های معتبر روایی و تطبیقِ مفاهیم استخراج‌شده باچارچوب‌های نظری فرهنگی و اجتماعی بود. یافته‌ها نشان می‌دهد پیشرفت مورد انتظار در جامعه مهدوی محصول ترکیبی از چند مؤلفه ساختاری و رفتاری است: استقرار عدالت فراگیر، تعمیق معرفت و بصیرت عمومی، مبارزه نظام‌مند با انحرافات اعتقادی و اخلاقی، تقویت پیوندهای اجتماعی مبتنی بر برادری دینی، تأمین امنیت قضائی و راه‌ها، ارتقای بهداشت و درمان عمومی و توسعه وسایل ارتباطی و اطلاعاتی. این عوامل در تعامل با یکدیگر زمینه‌سازِ تحقق «حیات طیّبه» و تمدن نوین اسلامی به شمار می‌آیند. نتیجه پژوهش علاوه‌بر گسترش فهم نظری از مبانی مهدوی، می‌تواند چارچوبی معرفتی برای طراحی سیاست‌های فرهنگی ـ دینی و مطالعات بین‌رشته‌ای در زمینه آماده‌سازی جامعه منتظر فراهم آورد.

واژگان کلیدی

مهدویت، پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، پیشرفت فرهنگی، پیشرفت اجتماعی، عدالت اجتماعی.

مقدمه

پیشرفت در جامعه مهدوی از زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان وعده‌ای قرآنی ـ روایی مطرح شده و آیات و روایات متعدد بر تحقق آن دلالت دارد. حکومت جهانی حضرت مهدی تنها

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران(f-dastranj@araku.ac.ir).
۲. دانشیار، گروه تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران(rezamahtab52@yahoo.com).
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، ایران(نویسنده مسئول)(navay.neynava@gmail.com)

تصویری از آینده نیست، بلکه مجموعه‌ای از الگوها و مبانیِ رفتاری است که می‌تواند به‌عنوان مدل راهبردی برای سامان‌بخشی به زندگی اجتماعی و تربیتی امروز نیز مورد استناد قرار گیرد. از آموزه‌های مهدوی می‌توان در بازسازی الگوهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اقتصادی برای رفع کاستی‌ها و نابه‌سامانی‌های اخلاقی و معنوی بهره گرفت؛ مراجعه موضوع‌محور به آیات و روایات امکان استخراج این الگوها و تطبیق آنها با نیازهای معاصر را فراهم می‌سازد. با این‌حال، بررسی‌های موجود درباره «پیشرفت فرهنگی ـ اجتماعی» در عصر ظهور که به‌صراحت بر پیشگویی‌های اهل‌بیت تأکید کنند، به‌طور مجزا و به‌صورت تحلیلی اندک بوده است؛ بنابراین تحقیق حاضر درصدد است این قلمرو پژوهشی را به‌عنوان موضوعی نو و بدیع مورد کنکاش قرار دهد. در خصوص پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. دولت کریمه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (۱۳۹۷) اثر مرتضی مجتهدی سیستانی که در هشت بخش به ویژگی‌های حکومت مهدوی (از جمله عدالت، قضا، پیشرفت اقتصادی، رفع بیماری‌ها، تکامل عقل و معنویت، علم و فرهنگ و حتی سفرهای فضایی) می‌پردازد. کتاب جامع و توصیفی است اما تحلیل سازوکارها و روابط میان مؤلفه‌های فرهنگی ـ اجتماعی در آن محدود است.

۲. آرمان شهر صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اثر حسین مجدی: پژوهشی کتابخانه‌ای که با استفاده از منابع روایی دست‌اول، جامعه آخرالزمان را در ابعاد سیاسی ـ اجتماعی، فرهنگی ـ اعتقادی و اقتصادی مقایسه و شاخص‌سازی کرده و بر قابلیت الگوبرداری برای سامان‌بخشی وضع موجود تأکید می‌کند؛ هرچند تمرکز اصلی بر معرفی ویژگی‌هاست تا تحلیل نظام‌مند سازوکارها.

۳. مقاله «پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی، با تأکید بر روایات اسلامی» (۱۳۹۰): بررسی روایات مرتبط با پیشرفت اقتصادی در عصر ظهور و تبیین شتاب و عدالت اقتصادی مورد انتظار؛ مطالعه‌ای ارزشمند اما معطوف به بعد اقتصادی عرصه پیشرفت. تحلیل اجمالی پیشینه نشان می‌دهد که گرچه ابعاد متنوع حکومت مهدوی مورد توجه قرار گرفته‌اند، مطالعات متمرکز و تحلیلی درباره پیشرفت فرهنگی ـ اجتماعی مبتنی بر پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام کمتر انجام شده است؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر با تمرکز بر تبیین مؤلفه‌ها و سازوکارهای فرهنگی ـ اجتماعی در عصر ظهور، در پی پر کردن این خلأ علمی و ارائه چارچوبی نظری و کاربردی است. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از: ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت فرهنگی و اجتماعی در پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام کدامند؟ ۲. سازوکار

(چگونگی و مسیرهای) تحقق هر یک از این مؤلفه‌ها در جامعه مهدوی چیست؟ ۳. روابط متقابل و تعاملات سیستمی میان این مؤلفه‌ها چگونه به پیشرفت شتابان و تحقق «حیات طیّبه» می‌انجامد؟

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث اصلی، برای رفع ابهام و تأمین فهم مشترک، لازم است تعاریف و مفاهیم کلیدیِ به‌کار رفته در عنوان پژوهش روشن شوند. در ادامه برای هر یک از مفاهیم «پیشرفت»، «پیشگویی» و «مهدویت» ابتدا تعریف نظری و سپس تعریف عملیاتی ـ مطابق حدود و چارچوب این پژوهش ـ ارائه می‌شود.

پیشرفت

در فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های فارسی، اصطلاح «پیشرفت» معانی مختلفی یافته است. در فرهنگ حسابی، واژه Progress معادل «پیشرفت» ترجمه شده است (حسابی، ۱۳۷۳: ص. ۴۲۰). عمید پیشرفت را به‌معنای «پیش رفتن، پیشروی، جلو رفتن، پیروزی، ترقی و ارتقا» آورده است (عمید، ۱۳۷۹: ج۱، ص. ۵۰۹). دهخدا ریشه واژه را «پیش رفتن» دانسته و معانی متعددی چون «پیش رفتن، جلو رفتن، مقابل پس رفتن، حرکت کردن به سوی مقابل، مسبوق و ترقی‌کرده» برای آن ذکر کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج۴، ص. ۵۹۷۹)

در ادبیات نظری و دینی، مفهوم پیشرفت در دو بُعد مادی و دینی به‌کار می‌رود. در بُعد معنوی شاخص‌هایی نظیر گسترش عدالت، تربیت معنوی انسان، و دست‌یابی به کمال اخلاقی و معنوی اهمیت دارند؛ همچنین پیشرفت اخلاقی با پیشرفت مادی یا علمی پیوند دارد و دو سویه مکمل یکدیگرند (اکبری و افخمی، ۱۳۸۷: ص. ۶). از اهداف و شاخص‌های پیشرفت، ارتقای کیفیت زندگی مادی و بهبود معیشت نیز مطرح شده است؛ اسلام به رفاه و گشایش در زندگی توجه داشته و خواهان آسایش، امنیت و راحتی انسان‌هاست. شاید نزدیک‌ترین و جامع‌ترین واژه قرآنی نسبت به پیشرفت، «حیات طیّبه» باشد که به امور دنیویِ همراه با کیفیت مطلوب زیست اشاره دارد. در نگرش دینی، برای تحقق پیشرفت، افزون بر توانمندی‌های اقتصادی و افزایش کمی و کیفی تولیدات، معنویت و اخلاق نیز شرط لازم‌اند و خداوند به هر دو نوع نعمت اشاره کرده است؛ از منظر قرآن، جامعه‌ای که از نعمت‌های مادی و معنوی برخوردار باشد، به پیشرفتی دست می‌یابد که پدیدآورندگان آن را شگفت‌زده ساخته و دشمنان سلطه‌جو را به مقابله وادارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ج۱۵، ص. ۵۸). بر پایه دیدگاه

بسیاری از اندیشمندان مستقل، مفهوم پیشرفت نیازمند جهت‌گیری هدفمند و دارای ویژگی‌های کمّی و کیفی است؛ پیشرفت نمی‌تواند منحصر به افزایش صرفاً کمّی شاخص‌ها (مانند جمعیت یا رفاه بیشتر) باشد، بلکه باید مسائل بنیانی و هدف‌های زندگی بشر را نیز تحت تأثیر قرار دهد (اکبری، ۱۳۷۸: صص. ۱۱۹-۱۲۱). از این منظر، پیشرفت به‌معنای بهبود در همه جنبه‌هاست؛ گسترش و تعالی در یک بعد در حالی که در بعدی دیگر پسرفت یا توقف رخ دهد، با مفهوم جامع پیشرفت ناسازگار است. اساساً مقوله پیشرفت برای انسان به‌معنای زندگی بهتر و حرکت در مسیر کمال مطرح می‌شود (رشکیانی، ۱۳۹۳). در نگرش دینی، برای تحقق پیشرفت، افزون بر توانمندی‌های اقتصادی و افزایش کمی و کیفی تولیدات، معنویت و اخلاق نیز شرط لازم‌اند و خداوند به هر دو نوع نعمت اشاره کرده است؛ از منظر قرآن، جامعه‌ای که از نعمت‌های مادی و معنوی برخوردار باشد، به پیشرفتی دست می‌یابد که پدیدآورندگان آن را شگفت‌زده ساخته و دشمنان سلطه‌جو را به مقابله وادارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ج۱۵، ص. ۵۸). بر پایه دیدگاه بسیاری از اندیشمندان مستقل، مفهوم پیشرفت نیازمند جهت‌گیری هدفمند و دارای ویژگی‌های کمّی و کیفی است؛ پیشرفت نمی‌تواند منحصر به افزایش صرفاً کمّی شاخص‌ها (مانند جمعیت یا رفاه بیشتر) باشد، بلکه باید مسائل بنیانی و هدف‌های زندگی بشر را نیز تحت تأثیر قرار دهد (اکبری، ۱۳۷۸: صص. ۱۱۹-۱۲۱). از این منظر، پیشرفت به‌معنای بهبود در همه جنبه‌هاست؛ گسترش و تعالی در یک بعد در حالی که در بعدی دیگر پسرفت یا توقف رخ دهد، با مفهوم جامع پیشرفت ناسازگار است. اساساً مقوله پیشرفت برای انسان به‌معنای زندگی بهتر و حرکت در مسیر کمال مطرح می‌شود (رشکیانی، ۱۳۹۳).

پیشگویی

رای تبیین دقیق مفهوم «پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام»، تفکیک آن از اصطلاح «پیش‌بینی» ضروری است. «پیش‌بینی» (Prediction) فرایندی عقلایی و مبتنی بر تحلیل قرائن تجربی و قواعد علّی موجود است؛ مانند پیش‌بینی یک پزشک از روند بیماری یا تحلیل یک اقتصاددان از نرخ تورم.

این فرایند بر «ظنّ معتبر» استوار بوده و همواره با درصدی از خطا همراه است. در مقابل، «پیشگویی» (Prophecy) در گفتمان دینی، اخباری قطعی از آینده است که نه بر پایه قرائن مادی، که براساس «علم لدنی» و آگاهی‌های فرابشریِ معصومان علیهم‌السلام صادر شده است. اهل لغت نیز با ذکر نمونه‌هایی مانند کهانت و غیب‌گویی بر این تمایز صحه گذاشته‌اند و

«پیشگویی» را ناظر به علوم مکنونه و آگاهی‌های سرّی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ج۳، ص. ۱۶؛ معین، ۱۳۶۰: ج۱، ص. ۹۱۷). برای نمونه، گزارش‌های مربوط به جزئیات حکومت جهانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و امنیت فراگیر در آن دوران، از آن‌رو که مبتنی بر هیچ‌یک از قرائن مادی زمان صدور خود نیستند، در زمره «پیشگویی» جای می‌گیرند. این پیشگویی‌ها که عمدتاً حول محور وقایع آخرالزمان و ظهور می‌چرخند، نقشی تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی و فکری داشته‌اند (صادقی، ۱۳۹۵: ص. ۶۷). حجم عظیمی از این اخبار در منابع روایی شیعه نقل شده و در آثاری چون نوائب‌الدهور گردآمده است (میرجهانی، ۱۳۷۹: صص. ۶۰-۶۱). بنابراین، «پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام» در گوهر خود، همان اخبار غیبیِ صادرشده از معصومان و مبتنی بر علم لدنی است که ماهیتاً از پیش‌بینی‌های عادی متمایز است. این مفهوم در ادامه و در چارچوب تعاریف عملیاتی این پژوهش، با مختصات دقیق‌تری صورت‌بندی خواهد شد تا حدود کاربست آن در تحلیل روایات به‌روشنی مشخص گردد.

مهدویت

در صدر اسلام واژه «مهدی» در معنای کلیِ «هدایت‌شده» و به‌منظور تجلیل از برخی شخصیت‌های برجسته (نظیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، خلفای راشدین و امام حسین علیه‌السلام به‌کار رفته است (طبری آملی، ۱۴۱۳: ص. ۴۴۱). براساس گزارش‌ها، نخستین کاربرد مشخصِ واژه «مهدی» به‌معنی «منجی» را ابو اسحاق کعب بن ماته حمیری (متوفی ۳۴ ق.) به‌کار برده است (راجکوسکی، تاریخ اصلی؛ نقل‌شده در حسین جاسم، ۱۳۸۶: ص. ۳۴). از منظر تاریخی، جریان‌هایی چون مختار ثقفی و گروه‌های زیدی نیز لقب «مهدی» را به رهبران خاص خود نسبت داده‌اند؛ افزون بر این برخی شاخه‌های شیعی پس از رحلت امامان القابی مشابه را برای آنان متداول داشته‌اند مانند ناووسیه برای امام صادق علیه‌السلام، واقفه برای امام کاظم علیه‌السلام و برخی برای امام حسن عسکری علیه‌السلام (حسین جاسم، ۱۳۸۶: صص. ۳۴-۳۶). در مذهب اثناعشری «مهدی» به‌طور ویژه به حجت بن الحسن، فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام، نسبت داده شده و براساس مجموعه‌ای از احادیث نبوی انتظار می‌رود که او در پایان تاریخ به‌عنوان نجات‌بخش ظاهر شود؛ از جمله روایتی منقول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌گوید:

الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِی، اسْمُهُ اسْمِی، وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النَّاسِ بِی خَلْقاً وَ خُلْقاً، تَکُونُ لَهُ غَیبَةٌ وَ حَیرَةٌ حَتَّی تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْیانِهِمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ یقْبِلُ کَالشِّهَابِ الثَّاقِبِ، فَیمْلَؤُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۲۰)؛

مهدی از فرزندان من است. نام او، نام من است و کنیه او کنیهٔ من است؛ شبیه ترین

مردم به من از حیث خَلق و خُلق است. برای او غیبت و حیرتی خواهد بود، به گونه‌ای که مردم (در نبود او) از دین شان گمراه شده‌اند؛ در این هنگام چون شهاب شکافنده‌ای فرو می‌آید و زمین را از عدل و داد سرشار می‌نماید؛ پس از این که از ستم و بیدادگری پُر شده است.

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام نیز مهدی به‌عنوان خاتم ائمه و نجات‌بخش امّت معرفی شده است:

وَ بِمَهْدِينَا تَنْقَطِعُ الْحُجَجُ فَهُوَ خَاتَمُ الْأَئِمَّةِ وَ مُنْقِذُ الْأُمَّةِ وَ مُنْتَهَى النُّورِ وَ غَامِضُ السِّرِّ(مجلسی، ۱۴۰۳: ج۷۴، ص. ۳۰۰).

بر این اساس آنچه درباره «مهدی» در منابع آمد، نه تنها تبیینِ هویتِ یک شخصیتِ موعود، بلکه سنگِ بنای نظری و کارکردیِ مهدویت است: توصیف‌ها و روایت‌ها هویتِ فردیِ مهدی را می‌سازند و از دلِ آن هنجارها، انتظاراتِ اخلاقی ـ اجتماعی و نهادهای فکری و عملی بیرون می‌آیند. به عبارت دیگر، مهدویت محصولِ فرآیندی است که از متنِ روایی آغاز می‌شود و به شکل‌گیریِ نظامی از باورها، انتظارات و کارکردهای سیاسی ـ فرهنگی می‌انجامد.

تعریف عملیاتی مفاهیم در این پژوهش

برای جلوگیری از ابهام و امکان سنجش‌پذیریِ یافته‌ها در چارچوب این پژوهش، مفاهیم کلیدی به صورت عملیاتی زیر تعریف می‌شوند:

پیشرفت: در این پژوهش، «پیشرفت» به معنای بهبود هم‌زمان در شاخص‌های عدالت (کاهش تبعیض ساختاری و دسترسی برابر به منابع)، معرفت (افزایش سواد دینی و علمی عمومی)، امنیت (کاهش جرائم و تضمین ایمنی فردی و اجتماعی)، سلامت (افزایش امید به زندگی و رفع بیماری‌ها) و انسجام اجتماعی (افزایش سرمایه اجتماعی و پیوندهای برادری) است که براساس روایات مهدوی قابل ترسیم فرضی می‌باشد.

پیشگویی: منظور از «پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام» در این مقاله، اخبار غیبیِ صادرشده از معصومان درباره وقایع عصر ظهور است که با علم لدنی و الهام الهی همراه بوده و صرفاً حدس یا پیش‌بینی عادی مبتنی بر قرائن ظاهری نیست.

مهدویت: در این پژوهش، «مهدویت» به عنوان یک نظام معرفتی ـ عملکردی در نظر گرفته می‌شود که شامل سه مؤلفه است: (الف) باور به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عنوان منجی موعود، (ب) انتظار فعال و زمینه‌سازی برای تحقق جامعه آرمانی، (ج) استخراج

الگوهای رفتاری و نهادی از روایات برای کاربست در سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر.

عوامل پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه مهدوی

در چشم‌انداز حکومت مهدوی، گسترشِ شتابانِ اندیشه و عقلانیت و پیشرفتِ کم‌سابقه علم بستر لازم برای تحقق پیشرفت همه‌جانبه و دستیابی به قله جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورد. از منظر سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی و سرنوشت‌ساز بستر ساز این تحول‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تأمین عدالت فراگیر در سطوح فردی و اجتماعی، توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت عمومی، مقابله قاطع با مفاسد اجتماعی و انحرافات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، تقویت پیوندهای اجتماعی مبتنی بر برادری دینی، تضمین امنیت اجتماعی همگانی، ارتقای نظام‌های بهداشتی و درمانی و توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای ارتباطی. در ادامه هر یک از محورها به‌طور جداگانه و با رویکردی تحلیلی ـ پژوهشی بررسی خواهد شد.

عدالت فراگیر به‌عنوان زیربنای پیشرفت

استقرار عدالت در متون روایی و قرآنی به‌عنوان محور و پیش‌شرط پیشرفت فرهنگی و اجتماعیِ جامعه مهدوی مورد تصریح قرار گرفته است؛ از این رو عدالت‌گستری نه تنها غایتی اخلاقی بلکه سیاستی راهبردی و بنیانی در برنامه حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به شمار می‌آید. بدین معنی که تحقق اهداف تمدنی و علمیِ آن حکومت، مشروط به برپایی نظامی عادلانه است که هم عدالت فردی و هم عدالت ساختاری را تضمین کند. پیامد قرآنی این رویکرد را می‌توان در آیه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ و الْميزانَ لِيقُومَ النّاسَ بِالْقِسْطِ﴾(حدید: ۲۵)؛ «همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند». مشاهده کرد؛ آیه‌ای که ارسال پیامبران و انزال کتاب و «میزان» را در جهت تعمیم قسط و عدل در جامعه تبیین می‌کند و بر ماهیت عمومی و نهادی عدالت دلالت دارد. در سنت روایی نیز روایت امام رضا علیه‌السلام مبنی بر «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَينَ النَّاسِ فَلَا يظْلِمُ أَحَدٌ أَحَداً؛ آن‌گاه که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور می‌کند، ترازوی عدالت را در جامعه برقرار می‌سازد و از آن پس، کسی به دیگری ستم نمی‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵: ج۲، ص. ۳۷۲). به‌صراحت از استقرار عدلِ فراگیر پس از قیام حضرت سخن می‌گوید و بازتابِ قرآنیِ این فهم را نشان می‌دهد.

گروهی از احادیث تبیین‌گرِ مفهوم «احیاء به‌واسطه عدلِ قائم» اند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید ﴿اَعلَمُوا أنَّ اللَّهَ یُحیِ اَلأَرضَ بَعدَ مَوتِهَا﴾ «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌کند» اشاره می‌کند که: «أَی یحْییهَا الله بِعَدْل اَلْقَائِمِ بَعْدَ ظُهُورِهِ عَلَیهِ اَلسَّلاَمُ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّةِ اَلضَّلاَلِ؛ یعنی پس از آن که زمین به سبب ستم پیشوایان گمراهی می‌میرد، خداوند، آن را با عدالت قائم به گاه ظهورش، زنده می‌کند پس از آن‌که به سبب جور فرمانروایان گمراهی مرده باشد» (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج۵، ص. ۱۵۳). مرگِ زمین ناشی از جور و ستم پیشوایان است و خداوند آن را به‌واسطه عدلِ قائم زنده خواهد کرد. روایتی مشابه از امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «یحْییهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ علیه‌السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [یعْنِی] بِمَوْتِهَا کُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْکَافِرُ مَیتٌ» (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج۳، ص. ۳۵۶)؛ خداوند آن را به دست قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف زنده می‌کند، پس از آن «که مُرده است و مرگش، کفر ورزیدن اهل آن است؛ چرا که کافر، مرده است»این مجموعه روایی ـ قرآنی نشان می‌دهد مقصود از احیای زمین، فقط توسعه مادی نیست بلکه بازسازی زیستِ معنوی، اعتقادی و اخلاقی جامعه است که زمینه‌ساز پایداری هرگونه پیشرفت مادی و علمی خواهد بود. از منظر تبیینی ـ سیاست‌گذاری، چنین استنتاج می‌شود که ظلم‌ستیزی و گسترش عدالت باید نخستین و محوری‌ترین شعار و سیاستِ حکومت مهدوی باشد؛ همان‌گونه که در روایتِ متواتر «الَّذِی یمْلَأُهَا عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛ زمین را از عدل و داد، پُر می‌کند، آن چنان که از ظلم و ستم، پُر شده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ص. ۳۴۱) آمده است.

در عمل، این الزام به معنای طراحی و اجرای سازوکارهای حقوقی، قضایی و نهادی است که تضمین‌کننده دسترسی برابر به حقوق، تنبیه و پیشگیری از ستم، اصلاح ساختارهای نابرابرِ قدرت و ایجاد فرآیندهای بازتوزیعِ عادلانه منابع باشند؛ بدون چنین سازوکارهایی، وعده احیاء معنوی و تمدنی تحقق نخواهد یافت.

سازوکار تحقق عدالت فراگیر

براساس مجموعه روایات و تحلیل نهادی، تحقق عدالت در حکومت مهدوی از سه مسیر اصلی دنبال می‌شود:

الف) مسیر نهادی ـ قضایی: ایجاد نظام قضایی مبتنی بر عدالت محض و حذف ساختارهای تبعیض‌آمیز و ظالمانه. نصب قضات دانا و عادل در همه مناطق و حذف مجاری رشوه و بی‌عدالتی.

ب) مسیر توزیعی ـ اقتصادی: بازتوزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها از طریق بیت‌المال تحت نظارت مستقیم امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و جلوگیری از انباشت ثروت در دست گروه‌های خاص.

ج) مسیر تربیتی ـ فرهنگی: نهادینه‌سازی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در سطح فردی و اجتماعی از طریق تعمیق معرفت دینی، رشد عقل عمومی و آموزش همگانی. این سه مسیر به صورت هم‌زمان و مکمل یکدیگر اجرا می‌شوند و یکدیگر را تقویت می‌کنند.

توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت به‌عنوان موتور رشد

بی‌تردید علم، آگاهی، بینش و بصیرت از بنیادی‌ترین پایه‌های تمدن نوین اسلامی‌اند؛ زیرا آیات و احادیث فراوانی مردم را به تعقّل، تفکّر و جستجوی دانش فرا می‌خوانند و نشان‌دهنده جایگاه محوری خرد در ارزش‌های اسلامی است. در این میان خردورزی به‌عنوان نخستین رکن ارزش‌های دینی مطرح شده است؛ چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

> **قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ فَأَوَّلُهَا الْعَقْل... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص. ۱۹۶)؛**
> پایه‌های اسلام هفت تاست. نخستین آنها عقل است.

ویژگی بارز منتظران واقعی و زمینه‌سازان حکومت مهدوی، رشد و کمال عقل و معرفت است. امام زین‌العابدین علیه‌السلام درباره آنان می‌گوید:

> **وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ(صدوق، ۱۳۹۵: ج۱، ص. ۳۲۰)؛**
> منتظران ظهورش، از مردم هر زمانه برترند، زیرا خداوند عقل، فهم و معرفتی به ایشان عطا کرده که غیبت را برایشان همچون مشاهده می‌سازد.

از این‌رو، معرفت و بصیرت زیربنای اصلی انقلاب مهدوی شمرده می‌شود و مبارزه با انحرافات و تلاش برای تحقق جامعه آرمانی اسلامی از همین نقطه آغاز خواهد شد. در توصیف این نقش هدایت‌گر، امام علی علیه‌السلام تأکید کرده که:

> بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد، و بر همان سیره و روش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملّت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. (نهج البلاغه: ص. ۲۷۵)

جهانی‌شدن و تداوم انقلاب مهدوی نیز مشروط به رشد علم و آگاهی است، بنابراین یکی از

پایه‌ای‌ترین اقدامات فرهنگی در حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت عمومی خواهد بود. انقلاب فکری‌ای که با ظهور حضرت رخ می‌دهد در زمانی تحقق می‌یابد که مکاتب مختلف افکار را تیره ساخته‌اند و از نور اسلام تنها پرتوی اندک در برخی دل‌ها باقی مانده است؛ هنگامی که خورشید ولایت و امامت طلوع کند، نخستین لطف الهی به مردم تکامل عقل و تکامل علمی آنان خواهد بود. حسب روایات، امام باقر علیه‌السلام خبر می‌دهد:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ص. ۲۵)؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌هایشان را جمع و خردهایشان را کامل می‌گرداند.

روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام بیان می‌کند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ جُزْءاً فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءَانِ فَلَمْ يعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيرَ الْجُزْءَينِ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ جُزْءاً (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ج۲، ص. ۸۴۱)؛

دانش، بیست و هفت قسمت است. تمامی آنچه پیامبران آورده‌اند دو قسمت است و مردم تاکنون بیش از دو قسمت را نشناخته‌اند. چون قائم بپای خیزد، بیست و پنج قسمت دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر می‌کند.

تبعاتِ این تکامل شناختی روشن است: هر اندازه عقل انسانی تکامل یابد، پذیرش دین و عمل به احکام الهی هم از جهتی آسان‌تر و از جهتی دیگر توجیه‌پذیرتر می‌شود؛ یعنی رشد عقل و معرفت هم نیاز انسان به دین را برجسته‌تر می‌سازد و هم گرایش او را به تسلیم در برابر دستورات الهی افزایش می‌دهد. افزون بر این، تکمیل خرد به مؤمنان حقیقی امکان می‌دهد تا به‌طرزی روشن‌فکرانه حقایق و مسائل جهانی را درک کنند. در نهایت، مطابق روایات امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنْ لَا تُكْمِلُونَ إِيمَانَكُمْ حَتَّى يخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ وَ لَوْ لَمْ يكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ كَامِلُونَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۶۴، ص. ۳۵۱)؛

شما مؤمن هستید؛ امّا ایمانتان کامل نمی‌شود تا قائم ما قیام کند، آن هنگام، خداوند، عقل‌هایتان را جمع می‌کند و مؤمنانی کامل می‌شوید.

ایمان بشر تا هنگام ظهور قائم کامل نخواهد شد و آن هنگام خداوند عقل‌های مردم را

جمع می‌سازد تا مؤمنانی کامل پدید آیند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۶۴، ص. ۳۵۱). جامعه‌ای که ترکیب عقل و ایمان را داراست، بدیهی است از نظر اخلاق و رفتار به نمونهٔ انسانی نزدیک‌تر خواهد بود.

سازوکار تحقق توسعه معرفت و بصیرت

براساس روایات، تکامل علمی و معرفتی در عصر ظهور از چهار مجرای اصلی حاصل می‌شود:

الف) افاضه الهی: خداوند با قرار دادن «دست خود» بر سر بندگان (روایت امام باقر علیه‌السلام)، عقول را جمع و کامل می‌گرداند.

ب) اظهار علوم مخفی: امام قائم علیه‌السلام ۲۵ جزء از ۲۷ جزء علم را که تاکنون پنهان بوده، آشکار و در میان مردم منتشر می‌کند روایت امام صادق علیه‌السلام

ج) ارتباط بی‌واسطه با امام: به مدد وسایل ارتباطی پیشرفته، امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با همه پیروان خود در سراسر جهان سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند.

د) آموزش همگانی: با تأمین امنیت و رفاه، همگان فرصت یادگیری می‌یابند و شبکه‌های علمی و آموزشیِ فراگیر شکل می‌گیرد.

مبارزه با مفاسد و انحرافات به‌منظور تثبیت پیشرفت

مقابله‌ی گسترده و اصولی با انحرافات عقیدتی، اخلاقی و عملی مقدمات زدوده شدن ضلالت و ریشه‌کن شدن بدعت‌ها را فراهم می‌آورد. پاک‌سازی جامعه از مفاسد، فضای امن و سالمی برای فعالیت‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کند و از هدررفت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جلوگیری می‌نماید. از این رو مبارزه با فساد خود به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی تداوم توسعه و پیشرفت قلمداد می‌شود. در متون روایی یکی از نخستین برنامه‌های حکومتی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مقابله جامع با مفاسد اجتماعی و انحرافات اعتقادی، اخلاقی و عملی معرفی شده است. رشد عقلانی و عملی جامعه و آشنایی عموم با معارف اصیل قرآنی، مقدمهٔ این پیکار فرهنگی و تربیتی شناخته می‌شود؛ چراکه تعمیق و گسترش ایمان بدون جهاد فرهنگی و زدودن زمینه‌های گمراهی امکان‌پذیر نیست. این رویکرد در آیه ۴۱ سوره حج نیز بازتاب یافته است:

﴿الَّذينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾؛

کسانی که اگر به آنها در زمین توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به نیکو کاری فرمان می‌دهند و از زشت کاری باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است.

یعنی کسانی که توان یافتند، امر به معروف و نهی از منکر را اجرا می‌کنند و به استقرار دینداری می‌پردازند (حج: ۴۱). تفاسیر روایی نیز اهمیت و گستره این مبارزه را تبیین می‌کنند. از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

قَالَ هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمَهْدِی وَ أَصْحَابِهِ یمْلِكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَی مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یظْهِرُ الدِّینَ وَ یمِیتُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ حَتَّی لَا یرَی أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ یأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ ینْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ(استرآبادی، ۱۴۰۹: ص. ۳۳۹)؛

این آیه، برای خاندان محمّد ـ مهدی و یارانش ـ است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلّط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند به دست او و یارانش، بدعت گذاران و باطل پویان را می‌میراند، همان گونه که نابخردان، حق را میرانده‌اند تا آنجا که اثری از ستم دیده نشود و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است.

مقصود آیه ۴۱ سوره حج خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و یاران او هستند که مشرق و مغرب زمین را در اختیار گرفته، دین را آشکار می‌سازند و بدعت‌ها و باطل را ریشه‌کن می‌کنند تا اثری از ظلم نماند؛ آنان به امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنند و فرجام کارها به خدا بازمی‌گردد. بدین‌سان، مبارزهٔ اصولی با انحرافات اعتقادی و اخلاقی موجب ریشه‌کن شدن گمراهی از جامعه انسانی می‌شود؛ این مطلب در احادیث به‌صورت گشوده شدن دژهای ضلالت توسط امام مهدی علیه‌السلام بیان شده است:

فَیبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِینَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَینِ یفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوباً غُفْلَاءَ ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۳۶، ص. ۳۰۸)؛

و خداوند از نسل حسین علیه‌السلام، کسی را بر می‌انگیزد که دژهای گمراهی و دل های سربسته را گشاید.

در حدیث دیگری نیز آمده که القاب «مهدی» و «قائم» نشان‌دهنده‌ی مأموریت هدایت و قیام بر حق اوست:

وَ إِنَّمَا سُمِّی الْقَائِمُ مَهْدِیاً لِأَنَّهُ یهْدِی إِلَی أَمْرٍ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ وَ سُمِّی بِالْقَائِمِ لِقِیامِهِ بِالْحَقِ(مفید، ۱۴۱۳: ج۲، ص. ۳۸۳)؛

قائم از آن رو «مهدی» نامیده شد که به امری رهنمون می‌شود که به آن راه نیافته‌اند و قائم نامیده می‌شود زیرا برای حق قیام می‌کند.

از این‌رو سیاست فرهنگی حکومت مهدوی بر مبارزه‌ی اصولی و فراگیر با انحرافات اعتقادی، اخلاقی و عملی نه تنها از منظر دینی یک وظیفه‌ی بنیادین محسوب می‌شود، بلکه به‌عنوان سازوکاری کارآمد جهت تثبیت توسعه و پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی نیز عمل می‌کند. برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی هدفمند که مبتنی بر روشنگری، ارتقای خردورزی و گسترش معارف اصیل باشند، کلید تحقق این هدف‌اند.

سازوکار تحقق مبارزه با مفاسد و انحرافات

مقابله نظام‌مند با فساد و انحراف در حکومت مهدوی از سه راهکار اساسی پیروی می‌کند:

الف) پیشگیری از طریق معرفت‌افزایی: هر چه عقل و معرفت عمومی رشد کند، گرایش به انحراف کاهش می‌یابد. بنابراین نخستین گام، گسترش علم و بصیرت است.

ب) مقابله قضایی و اجرایی: براساس روایاتی که «فتح حصون ضلالت» و «اماتت بدع و باطل» را از مأموریت‌های اصلی مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌شمارند، دستگاه‌های قضایی و اجرایی قدرتمندی برای شناسایی و حذف ریشه‌های فساد تشکیل می‌شوند.

ج) اصلاح ساختارهای ستم‌آلود: هر نهادی که زمینهٔ تداوم ظلم و انحراف باشد، یا اصلاح یا منحل می‌گردد تا جامعه به سمت فطرت پاک انسانی بازگردد.

تقویت روابط اجتماعی برپایه پیوند برادری دینی

پیوندهای برادری دینی، کینه‌ها را می‌زداید و وحدت اجتماعی را تعمیق می‌کند. چنین انسجام اجتماعی، سرمایه‌ی انسانی و اعتماد متقابل را تقویت می‌کند که برای تحرک جمعی در عرصه‌های سازندگی، تعلیم و اقتصاد ضروری است. یاران مهدی به‌واسطه رشد عقل و ایمان، الگوی تعاون و همدلی می‌شوند و این همبستگی، شتاب‌دهنده پیشرفت‌های عمومی است. از منظر آموزه‌های قرآنی، یکی از سیاست‌های محوری برای زدودن کینه‌ها و نزدیک‌سازی دل‌ها، تشکیل و تحکیم روابط اجتماعی بر پایه‌ی پیوند برادری دینی است (حجرات: ۱۰). این رویه سیاسی-الهی، در صدر اسلام زمینه‌ساز پدیدآمدن نخستین حکومت اسلامی به رهبری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شد و بنا بر روایات، در آخرالزمان نیز زمینه‌ساز برپایی حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و تداوم آن خواهد بود. روایات معصومین مبین موقعیت والای پیوندهای برادری در جامعه‌ی مهدوی است. در حدیثی از

امام باقر علیه‌السلام نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حالی که جماعتی از یارانش نزد ایشان بودند، دوبار فرمود: «اللَّهُمَّ لَقِّنِی إِخْوَانِی»؛ «بار خدایا! مرا با برادرانم ملاقات ده» و سپس توضیح داد که مراد از برادران من: «قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِی وَ لَمْ یرَوْنِی»؛ «مردمانی از آخر زمان هستند که با آن که مرا ندیده‌اند، به من ایمان آورده‌اند» (صفار، ۱۴۰۴: ج۱، ص. ۸۴). همچنین در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ علیه‌السلام یلْقَی بَعْضُهُمْ بَعْضاً كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبٍ وَ أُمٍّ، وَ إِنْ افْتَرَقُوا عِشَاءً الْتَقَوْا غُدْوَةً (بحرانی، ۱۳۷۴: ج۱، ص. ۳۵۰)؛

یاران قائم، همدیگر را همچون برادرانِ تنی دیدار می‌کنند و اگر شب از هم جدا شوند، صبح به دیدار یکدیگر می‌روند.

این تصویر، نشان‌دهنده‌ی پیوندی تنگاتنگ و پایدار میان اعضای جامعه‌ی مهدوی است. تقویت پیوندهای برادری دینی فراتر از آموزش اخلاقیِ فردی، سازوکاری عملی برای پیشرفت فرهنگی، آموزشی و اقتصادی فراهم می‌آورد:

۱. کاهش اختلافات و کینه‌ها، هزینه‌های مبادله و تعارض را کم می‌کند؛

۲. اعتماد و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد که شرط لازم همکاری‌های جمعی و نوآوری است؛

۳. شبکه‌های همدلی و تعاون، انتقال دانش و پذیرش برنامه‌های تربیتی و توسعه‌ای را تسریع می‌کنند.

بنابراین، برادری دینی در جامعه مهدوی نه صرفاً یک ارزش اخلاقی، بلکه موتور محرکِ انسجام و پیشرفتِ جمعی است که هم در سنت اسلامی و هم در نصوص مهدوی مورد تأکید قرار گرفته است.

سازوکار تحقق پیوندهای برادری دینی

شکل‌گیری و تقویت برادری دینی در جامعه مهدوی از سه مسیر عملی دنبال می‌شود:

الف) رشد عقل و ایمان: یاران مهدی به دلیل برخورداری از عقل کامل و ایمان راستین، خودبه‌خود کینه و حسادت را کنار می‌گذارند و همچون برادران تنی با یکدیگر رفتار می‌کنند.

ب) نهادینه‌سازی اخوّت: حکومت مهدوی با طراحی شبکه‌های همیاری، تعاون و مشورت، پیوندهای برادری را در قالب نهادهای اجتماعی تثبیت می‌کند.

ج) رفع موانع اقتصادی و طبقاتی: با اجرای عدالت اقتصادی و از بین رفتن فاصله

طبقاتی، یکی از مهم‌ترین موانع برادری (یعنی رقابت ناعادلانه بر سر منابع) از میان می‌رود.

تأمین امنیت اجتماعی فراگیر به‌عنوان پیش‌شرط فعالیت‌های سازنده

امنیت از نیازهای بنیادین انسان است و در هرم نیازها جایگاه ویژه‌ای دارد. هنگامی که امنیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برقرار باشد، زمینه تحقق فعالیت‌های سازنده فردی و جمعی و تسریع در روند پیشرفت اجتماعی و توسعه فراهم می‌آید. در آموزه های مهدوی، امنیت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های محوری پیشرفت حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محسوب می‌شود؛ زیرا با تأمین امنیت، حاکمیت قانون تثبیت می‌شود، مانع از زورگویی و تعدی می‌گردد، منافع عمومی حفظ می‌شود، نفوذ قدرت‌طلبان و سلطه سرمایه‌داران کاهش می‌یابد و سرنوشت محرومان از چیرگی طبقات متمکن مصون می‌ماند ـ همه اینها زمینه‌ساز رشد عادلانه و پایدار جامعه است. قرآن کریم در آیه ۵۵ سوره نور یکی از بزرگ‌ترین بشارت‌ها را به جامعه ایمانی عرضه می‌دارد که نصیب آنان ایمنی فراگیر خواهد شد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً﴾؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدّل کرده‌اند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند... .

روایات منسوب به اهل‌بیت این وعده را درباره قیام امام قائم و شرایط حکومت مهدوی تبیین و تفسیر کرده‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ج۱، ص. ۱۴). روایات دیگری تصویرگر وضعیتی‌اند که حتی طبیعت و روابط میان موجودات نیز دستخوش اصلاح و آرامش می‌شود؛ مثلاً روایتِ:

يَرْعَى الذِّئْبُ فِي أَيَامِهِ مَعَ الْغَنَمِ، وَ يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ وَ الْحِيتَانُ فِي الْبِحَارِ(مجلسی، ۱۴۰۳: ج۳۶، ص. ۲۱۹)؛

در دوران آن حضرت گرگ با گوسفند همراه است، و اهل آسمان و پرندگان در فضا و ماهیان دریا، از او خرسندند.

دلالت دارد بر امنیت فراگیری که در همه وجوه زندگی نمودار خواهد شد. بنابراین، دستیابی به امنیت فردی و اجتماعی که یکی از اهداف اصلی رسالت پیامبران و امامت اوصیاء است، در

عرصه جهانی مهدوی به‌صورت کامل محقق می‌گردد. در ادامه به دو بُعد شاخص این امنیت ـ امنیت قضایی و امنیت راه‌ها ـ نگاه می‌کنیم و ارتباط هر یک را با پیشرفت اجتماعی بررسی می‌کنیم.

سازوکار تحقق امنیت اجتماعی فراگیر

امنیت اجتماعی در جامعه مهدوی که وعده آن در آیه ۵۵ سوره نور داده شده است، از راه‌های زیر محقق می‌شود:

الف) حاکمیت قانون عادلانه: هیچ‌کس فراتر از قانون نیست و همگان در برابر قاضی یکسان‌اند. ظلم و تعدی در هر سطحی بلافاصله با پاسخ قاطع روبرو می‌شود.

ب) امنیت قضایی و راه‌ها (که در ادامه به تفصیل می‌آید)

ج) اصلاح مناسبات طبیعی و اجتماعی: چنانکه روایات از صلح میان درندگان و حیوانات و آرامش فراگیر خبر می‌دهند، امنیت تنها به روابط انسانی محدود نمی‌شود، بلکه همه سطوح هستی را دربرمی‌گیرد.

امنیت قضایی

امنیت قضایی در نظام مهدوی تا آن‌جا توسعه می‌یابد که شمول آن به امور جزئی زندگی روزمره نیز سرایت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حتی زنان، در منزل، بین فرزندان یا نسبت به همسران، براساس کتاب و سنت داوری کنند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

> **تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله (نعمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۹)؛**
>
> در زمان او آن قدر به شما دانش و حکمت داده می‌شود که زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر داوری می‌کند.

این تحول نشان‌دهنده پیشرفتی است که داوری در سطوح خرد اجتماع نیز مبتنی بر منطق، ملاک‌های درست و منابع مشروع خواهد شد و بدین ترتیب کارآمدی و عدالت نظام قضایی افزایش می‌یابد. در سیره نبوی، «بیّنه» و «قسم»، مبنای قضاوت و دادرسی بود و این سیره، همچنان تا ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در تشکیلات قضایی اسلامی ادامه خواهد داشت. (محمدی ری‌شهری و همکاران، ۱۳۹۳، ج۹، ص. ۳۸۷)

روایات معتبر درباره نظام قضایی عصر ظهور به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول ناظر به شخص امام است و دسته دوم ناظر به سایر قاضیان. در دسته اول، از امام حسن

عسکری علیه‌السلام نقل شده است که درباره خود حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ(مفید، ۱۴۱۳: ج۲، ص. ۳۸۶)؛

هنگامی که قائم خاندان محمّد قیام کند، میان مردم به شیوه داوود علیه‌السلام قضاوت می‌کند. نیازمند بیّنه نیست، خداوند متعال به او الهام می‌کند و براساس علمش حکم می‌کند.

این روایت به صراحت درباره ویژگی قضاوت خود امام است و نمی‌توان آن را به سایر قاضیان تعمیم داد.

دسته دوم روایات ناظر به قاضیانی است که امام در مناطق مختلف منصوب می‌کند. چنانکه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اعْمَلْ بِمَا فِيهَا(نعمانی، ۱۳۹۷: ص. ۳۱۹)؛

هنگامی که قائم قیام کند، برای هر یک از مناطق جهان فردی را برمی‌گزیند و به آنجا می‌فرستد و به او می‌گوید: پیمان تو به دست توست. اگر با مطلبی مواجه شدی که آن را نفهمیدی و نحوه قضاوت را در موردش ندانستی، به دست خود نگاه کن و به آنچه در آن است، عمل کن.

این روایت نشان می‌دهد که قاضیان منصوب از سوی امام، عهدنامه یا ضوابط کلی قضایی را در اختیار دارند که در موارد ابهام راهگشاست. اما تصریحی بر این‌که آنان نیز «براساس علم مطلق به قضیه» حکم کنند، در این روایت وجود ندارد. با توجه به این‌که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نمی‌تواند شخصاً به دعاوی همه دادخواهان رسیدگی کند، این پرسش مطرح می‌شود که نظام قضایی مهدوی چگونه اداره می‌شود؟ پاسخ قطعی به جزئیات این نظام از متون روایی موجود به دست نمی‌آید؛ اما می‌توان براساس قرائن چنین گفت که قضات منصوب از سوی امام از دو ویژگی برخوردارند: نخست، از عقل کامل‌یافته عصر ظهور و دانش ژرف نسبت به کتاب و سنت برخوردارند؛ دوم، عهدنامه و ضوابط کلی قضایی را در اختیار دارند که آنان را در موارد ابهام راهنمایی می‌کند.

با این حال، هیچ مدرک روایی معتبری دال بر این‌که قضات عادی نیز مانند خود امام «بدون نیاز به بیّنه و براساس علم لدنّی و الهام الهی» قضاوت کنند، وجود ندارد. بنابراین باید

میان قضاوت «علم لدنّی» که مختص امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و قضاوت «مبتنی بر دانش عمیق و ضوابط روشن» که برای قاضیان منصوب قابل فرض است، تفکیک قائل شد. حتی با وجود این ابهامات در جزئیات، روشن است که دستورالعمل‌های قضایی در آن دوره به‌گونه‌ای در دسترس حاکمان و قضات قرار می‌گیرد که خطا و اشتباه به حداقل برسد. این شفافیت و روشمندی قضایی نیز خود زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی، کاهش اختلافات و تسریع روند پیشرفت اجتماعی و نهادینه‌سازی عدالت خواهد شد. به عبارت دیگر، امنیت قضایی در جامعه مهدوی از سه جهت به تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت یاری می‌رساند: نخست، وقتی مردم بدانند قضاوت‌ها بر پایه ضوابط روشن و دانش عمیق انجام می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند از طریق شهادت دروغ یا فشار خارجی در روند دادرسی تأثیر بگذارد، اعتماد به نظام حاکمیت افزایش می‌یابد و سرمایه اجتماعی لازم برای همکاری‌های جمعی و مشارکت اقتصادی فراهم می‌شود. دوم، حل سریع و عادلانه اختلافات، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد و منابع جامعه به جای صرف دعاوی طولانی و رشوه، به سمت تولید و سازندگی هدایت می‌گردد. سوم، امنیت قضایی کینه‌ها و دشمنی‌های ناشی از احساس بی‌عدالتی را می‌زداید و زمینه را برای تحقق «برادری دینی» (که در بخش ۴-۳ بدان پرداخته شد) و انسجام اجتماعی فراهم می‌آورد. بدین‌سان امنیت قضایی نه یک مؤلفه مستقل، بلکه حلقه اتصال‌دهنده عدالت فردی به عدالت اجتماعی و پیشرفت پایدار در نظام مهدوی است.

امنیت راه‌ها

ناامنی در راه‌ها یکی از موانع مهم حرکت آزادِ انسان‌ها، کالاها و اطلاعات است که رشد اقتصادی و همبستگی اجتماعی را کند می‌کند. روایات مهدوی گزارش می‌دهند که با قیام قائم، راه‌ها امن خواهد شد؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

> **اذا قام القائم.. امنت به السّبل(فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج۲، ص. ۲۶۵)؛**
> هر گاه قائم ما قیام کند... راه‌ها امن می‌گردد.

روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن:

> **وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنُفَ وَ الْمَيَازِيبَ(فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج۲، ص. ۲۶۴)؛**
> راه‌های اصلی توسعه می‌یابد و موانعی مانند بالکن‌ها یا ناودان‌هایی که به مسیرها تجاوز کرده‌اند، برطرف می‌گردد.

همچنین از حضرت علی علیه‌السلام روایتی نقل شده است:

وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... وَ اصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا(صدوق، ۱۳۶۲: ج۲، ص.۶۲۶)؛

و چون قائم ما ظهور کند ... و درندگان و دام‌ها به سر صلح آیند به طوری که زن از عراق پیاده بشام رود و همه را بر سر سبزه قدم گذارد و آرایش و زیور خود را در بر دارد، هیچ درنده‌ای او را بهراس نیاورد و از آن نترسد.

این روایت تصویرگر صلح و آرامش طبیعی و اجتماعی است تا جایی که زن بتواند بی‌هراس سفر کند.

از منظر پیشرفت، امنیت راه‌ها پیامدهای چندوجهی دارد: افزایش دسترسی به بازارها و خدمات، تسهیل جریان سرمایه و دانش، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و زمان، و تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان مناطق مختلف. زمانی که تردد ایمن شود و زیرساخت‌ها ایمن و توسعه‌یافته باشند، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مولد فراهم می‌آید که مجموعه این عوامل به شتاب گرفتن روند پیشرفت جامعه می‌انجامد. امنیت راه‌ها افزون بر پیامدهای اقتصادی، نقشی کلیدی در تحقق عدالت اجتماعی و برادری دینی نیز ایفا می‌کند. وقتی مردم بتوانند بدون ترس در سراسر جهان تردد کنند، دانش، تجارت و فرهنگ در هم می‌آمیزد، فاصله مرکز و پیرامون از بین می‌رود و همه به مواهب پیشرفت دسترسی برابر پیدا می‌کنند. بدین‌سان امنیت راه‌ها نه یک مسئله فنی، بلکه از ارکان اصلی عدالت توزیعی و انسجام جهانی در نظام مهدوی به شمار می‌آید.

بهداشت و درمان؛ ارتقای سرمایه انسانی

بهداشت و درمان همانند امنیت از نیازهای بنیادین و حیاتی جوامع انسانی است و در منابع روایی اهل‌بیت علیهم‌السلام این دو ضرورت اغلب همراه هم مورد تأکید قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیان اهمیت این دو نعمت می‌فرماید:

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ(صدوق، ۱۳۶۲: ج۱، ص. ۳۴)؛

دو نعمت‌اند که قدرشان ناشناخته است: امنیّت و سلامت.

بدین سان امنیت و سلامت به‌عنوان دو سرمایه اساسی که قدرشان غالباً شناخته نمی‌شود معرفی شده‌اند. در متون مربوط به عصر حکومت مهدوی نیز روایاتی وجود دارد که حکایت از تغییر بنیادین در وضعیت سلامت عمومی و افزایش طول عمر در سایه حکومت عادلانه، شکوفایی دانش و تأمین امنیت فراگیر دارند. این‌گونه نقل‌ها نه تنها از رفع علایم بیماری سخن می‌گویند، بلکه از بازگشت قدرت و توانایی به افراد و تحقق سطحی از سلامت همگانی

حکایت دارند. در ادامه سه روایت محوری که این مطلب را تصویر می‌کنند، آورده می‌شود.

۱. عن أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیه‌السلام فی قصّة المهدی قال:

... و تطول الأعمار(یزدی حایری، ۱۴۲۲: ج۲، ص. ۲۴۷)؛
از حضرت علی علیه‌السلام در حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ... عمرها طولانی می‌شود.

۲. امام صادق علیه‌السلام :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ ... وَ یعَمَّرُ الرَّجُلُ فِی مُلْکِهِ...(مفید، ۱۴۱۳: ج۲، ص. ۳۸۱) ؛
هنگامی که قائم ما قیام کند ... مردم در سایه فرمانروایی او عمری طولانی خواهند داشت.

۳. امام باقر علیه‌السلام :

مَنْ أَدْرَکَ قَائِمَ أَهْلِ بَیتِی مِنْ ذِی عَاهَةٍ بَرَأَ وَ مِنْ ذِی ضَعْفٍ قَوِی(قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ج۲، ص.۸۳۹)؛
هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند و مریض باشد سالم می‌شود، و کسی که دارای ضعف و ناتوانی است قوی می‌گردد.

در توضیح روایت فوق می‌توان گفت: در این روایت نه تنها بشارتِ برطرف شدن ضعف‌ها و بیماری های همه مردم وارد شده، بلکه به جایگزین شدن قدرت و صحّت به جای ضعف و بیماری تصریح شده است زیرا حضرت فرموده‌اند:

مِنْ ذِی ضَعْفٍ قَوِی؛
هر کس دارای ضعف باشد قوی می‌گردد.

بنابراین در سطح جهان نه تنها افراد ضعیف و ناتوان وجود نخواهند داشت بلکه همه مردمان از قدرت، قوّت و توانایی برخوردار خواهند بود. (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۵: ص.۱۱۳)

به این مطلب در روایتی که امام صادق علیه‌السلام از امام باقر علیه‌السلام، از امام سجّاد علیه‌السلام نقل نموده‌اند تصریح شده است، آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ کُلِ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَ رَدَّ إِلَیهِ قُوَّتَهُ(نعمانی، ۱۳۹۷: ص. ۳۱۷)؛
هر گاه قائم قیام نماید، خداوند مرض را از هر فرد مؤمن می برد و توانایی او را به سویش برمی گرداند.

سازوکار تحقق بهداشت و درمان همگانی

ارتقای بی‌سابقه سلامت در عصر ظهور نتیجه تعامل چند عامل است:

الف) شکوفایی علم پزشکی: با اظهار ۲۵ جزء از ۲۷ جزء علم توسط امام قائم علیه‌السلام (براساس روایت امام صادق علیه‌السلام که در بخش ۲-۳ گذشت)، دانش پزشکی پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای می‌کند که درمان بیماری‌های صعب‌العلاج را ممکن می‌سازد.

ب) رفع علل معنوی و اخلاقی بیماری‌ها: بسیاری از بیماری‌ها ریشه در اضطراب، ناامنی، ظلم و گناه دارند. با استقرار عدالت و امنیت و گسترش معنویت و معرفت (چنان‌که در بخش‌های ۱-۳ و ۲-۳ و ۵-۳ تبیین شد)، این علل ریشه‌کن می‌شوند و سلامت معنوی و جسمانی توأمان محقق می‌گردد.

ج) دسترسی همگانی به خدمات درمانی: با تأمین عدالت توزیعی (بخش ۱-۳) و امنیت راه‌ها (بخش ۲-۵-۳)، شبکه‌های درمانی در سراسر جهان گسترش می‌یابند و هیچ‌کس از حداقل خدمات بهداشتی محروم نمی‌ماند.

پیامدهای راهبردی بهداشت و درمان برای پیشرفت

ارتقای بی‌سابقه سلامت در عصر ظهور، افزون بر جنبه انسانی، پیامدهای راهبردی برای پیشرفت دارد: اولاً، جامعه سالم و با عمر طولانی، سرمایه انسانی کارآمدتر و خلاق‌تری خواهد داشت. ثانیاً، رفع بیماری‌ها و ناتوانی‌ها هزینه‌های درمانی را کاهش داده و منابع را به سمت تولید علم و فرهنگ آزاد می‌کند. ثالثاً، سلامت همگانی از مصادیق بارز «حیات طیّبه» است که قرآن وعده آن را به جامعه صالح داده است. بنابراین بهداشت و درمان در نظام مهدوی نه یک خدمت رفاهی، بلکه زیربنای تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود.

پیشرفت وسائل ارتباطی

در متون روایی درباره عصر ظهور، تصریحات مهمی درباره تحولات حوزه ارتباط و اطلاعات وجود دارد. این تحولات در پرتو جهش علمی بی‌سابقه (که براساس روایت امام صادق علیه‌السلام در بخش ۲-۳، ۲۵ جزء جدید علم توسط امام قائم علیه‌السلام آشکار می‌گردد) و نیز تقویت ایمانی و کرامات الهی صورت می‌پذیرد. در مجموع، این تحولات دارای سه سطح است: سطح نخست مربوط به جهش علمی و فناوری، سطح دوم ناظر به احاطه اطلاعاتی امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و سطح سوم مربوط به کرامات و تقویت قوای حسی مؤمنان. در ادامه به روایات مرتبط با هر سطح اشاره می‌شود.

الف) روایات ناظر به جهش علمی و فناوری

براساس روایت امام صادق علیه‌السلام:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ جُزْءاً فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءَانِ فَلَمْ يعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيوْمِ غَيرَ الْجُزْءَينِ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ جُزْءاً(قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ج۲، ص. ۸۴۱)؛

دانش، بیست و هفت قسمت است. تمامی آنچه پیامبران آورده‌اند دو قسمت است و مردم تاکنون بیش از دو قسمت را نشناخته‌اند. چون قائم بپای خیزد، بیست و پنج قسمت دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر می‌کند.

این روایت نشان می‌دهد که بخش اعظم دانش بشری (۲۵ جزء از ۲۷ جزء) در عصر ظهور آشکار می‌شود که مسلماً شامل علوم و فناوری‌های نوین (از جمله در حوزه ارتباطات و اطلاعات) نیز می‌گردد.

ب) روایات ناظر به احاطه اطلاعاتی امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يبْصِرْهَا(صدوق، ۱۳۹۵، ج۲، ص. ۶۷۴)؛

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برسد، خداوند هر نقطه فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد. آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟

این روایت بر احاطه علمی و اشراف اطلاعاتی امام بر تمام جهان دلالت دارد؛ به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از زمین از دید و علم او پنهان نمی‌ماند.

ج) روایات ناظر به تقویت قوای حسی مؤمنان

ر روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يكُونَ بَينَهُمْ وَ بَينَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يكَلِّمُهُمُ فَيسْمَعُونَ وَ ينْظُرُونَ إِلَيهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ(کلینی، ۱۴۰۷: ج۸، ص. ۲۴۱)؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آنچنان گوشها و چشمهای شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف واسطه‌ای نخواهد بود. او با آنها سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خودش می‌باشد (و آنها در نقاط دیگر).

این روایت حاکی از آن است که مؤمنان راستین، بدون نیاز به واسطه‌های مادی، سخن امام را می‌شنوند و او را می‌بینند. همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِی زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَیَرَی أَخَاهُ الَّذِی فِی الْمَغْرِبِ وَ کَذَا الَّذِی فِی الْمَغْرِبِ یَرَی أَخَاهُ الَّذِی فِی الْمَشْرِقِ(بهاءالدین نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ص.۱۱۵)؛

انسان باایمان در زمان حضرت قائم در حالی‌که در مشرق است، برادر و دوست خود را که در مغرب به سر می‌برد می‌بیند و همچنین، آن‌کس که در مغرب است، برادر خود را در مشرق می‌بیند.

این روایت نشان می‌دهد که مؤمنان نیز می‌توانند یکدیگر را از فواصل دور مشاهده کنند.

تمایز ماهوی ارتباطات عصر ظهور با فناوری امروزی

آنچه در روایات مهدوی از آن سخن رفته است، با آنچه امروزه تحت عنوان «فناوری ارتباطات» می‌شناسیم، تفاوت معناداری دارد. ارتباطات امروزی ابزاری مادی، همگانی و مستقل از ایمان است. اما در عصر ظهور، هر سه سطح یادشده (علمی ـ فناورانه، امامتی و کرامتی) در بستری از ایمان، معنویت و عدالت معنا می‌شوند و کارکردی متفاوت با فناوری عصر غیبت دارند.

سازوکار تحقق پیشرفت وسائل ارتباطی

براساس روایات فوق، تحول در حوزه ارتباطات در عصر ظهور از سه مسیر اساسی دنبال می‌شود:

الف) جهش علمی و فناوری: با آشکار شدن ۲۵ جزء جدید علم (روایت امام صادق علیه‌السلام)، علوم و فناوری‌های نوین (از جمله در حوزه ارتباطات و اطلاعات) پدید می‌آیند و در اختیار جامعه قرار می‌گیرند.

ب) احاطه علمی و اشراف اطلاعاتی امام: خداوند زمین را چنان در برابر امام آشکار می‌کند که تمام جهان برای او به منزله کف دست است (روایت ابو بصیر). این احاطه از سنخ علم لدنی و اشراف الهی است و لزوماً به ابزارهای مادی وابسته نیست.

ج) تقویت قوای حسی و کرامات مؤمنان: خداوند گوش و چشم مؤمنان راستین را چنان تقویت می‌کند که می‌توانند بدون واسطه، امام را ببینند و بشنوند (روایت مدّ اَسماع و ابصار) و نیز مؤمنان یکدیگر را از راه دور مشاهده کنند (روایت رؤیت مؤمنان از مشرق و مغرب). این سطح از سنخ کرامات و امدادهای غیبی است.

پیامدهای این تحول برای نظام پیشرفت

به نظر می‌رسد سه سطح یادشده از تحولات ارتباطی، پیامدهایی برای سایر مؤلفه‌های پیشرفت داشته باشند: نخست: ارتباط بی‌واسطه با امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌تواند به تعمیق معرفت و بصیرت (مؤلفه ۲-۳) کمک کند؛ زیرا شنیدن سخن امام و دیدن ایشان بدون واسطه، تأثیری مستقیم بر باور و آگاهی مؤمنان دارد. دوم: مشاهده مؤمنان یکدیگر از راه دور، احتمالاً پیوندهای برادری دینی (مؤلفه ۴-۳) را تقویت می‌نماید؛ چراکه دیدن چهره و ارتباط قلبی از مسافت دور، الفت و همدلی را افزایش می‌دهد. سوم: احاطه اطلاعاتی امام بر تمام جهان، زمینه‌ساز مدیریت مؤثر و عادلانه امور جهانی خواهد بود؛ زیرا ایشان بدون نیاز به واسطه، از احوال همه نقاط آگاهی کامل دارند. در پرتو این ارتباطات (چه از نوع علمی ـ فناورانه و چه از نوع کرامتی)، پیوندهای دیداری و شنیداری همراه با الفت معنوی، دل‌ها را چنان مستحکم می‌سازد که گویی جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده در می‌آیند؛ هر چند از نظر فیزیکی در نقاط دور از هم به سر می‌برند. (مجدی، ۱۳۹۷: ص.۱۳۷)

نظام پیشرفت: تعاملات و بازخوردهای میان مؤلفه‌ها

نخست: عدالت به‌عنوان زیربنای همه مؤلفه‌ها ـ بدون عدالت فراگیر، امنیت واقعی محقق نمی‌شود، توزیع منابع عادلانه صورت نمی‌گیرد، و انسجام اجتماعی مبتنی بر اعتماد شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر، تحقق عدالت بدون رشد معرفت عمومی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مردمی که بصیرت و آگاهی ندارند، نمی‌توانند حقوق خود را مطالبه کنند.

دوم: معرفت و بصیرت به‌عنوان موتور رشد سایر حوزه‌ها ـ تکامل عقل و علم، هم مبارزه با انحرافات را ممکن می‌سازد (زیرا مردم فریب خرافات و بدعت‌ها را نمی‌خورند)، هم برادری دینی را تقویت می‌کند (زیرا درک می‌کنند که همگی در مسیر یک حقیقت حرکت می‌کنند)، هم امنیت و بهداشت را ارتقا می‌بخشد (از طریق پیشرفت علم پزشکی و فناوری).

سوم: امنیت و بهداشت به‌عنوان بسترهای سرمایه انسانی ـ جامعه‌ای که امنیت ندارد، نمی‌تواند به تولید علم بپردازد. جامعه‌ای که بهداشت و درمان آن ضعیف است، سرمایه انسانی بیمار و کوتاه‌عمر نخواهد توانست تمدن نوین اسلامی را بسازد. برعکس، امنیت و سلامت نیز خود محصول عدالت و معرفت‌اند؛ زیرا بسیاری از ناامنی‌ها و بیماری‌ها ریشه در جهل، ظلم و فساد دارند.

چهارم: برادری دینی و ارتباطات پیشرفته به‌عنوان شتاب‌دهنده‌های نظام ـ وقتی

پیونـدهای بـرادری قـوی باشـد، همکاری‌هـای علمـی و اقتصـادی آسـان‌تر می‌شـود. و وقتـی ارتباطات پیشرفته در دسترس همگان باشد، این همکاری‌ها به حداکثر سرعت خود می‌رسند. همچنین ارتباطات بی‌واسطه با امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خود عامل اصلی تعمیق معرفت و بصیرت است.

پنجم: حلقـه بـازخورد مثبـت ـ پیشـرفت در هـر مؤلفـه، پیشـرفت در سـایر مؤلفـه‌ها را تسـهیل می‌کند و این چرخه بازخوردی به رشد تصاعدی می‌انجامد. برای نمونه: عدالت ← امنیت ← توسعه علمی ← معرفت بیشتر ← عـدالت مسـتحکم‌تر. یـا: معرفـت ← مبـارزه بـا فسـاد ← امنیت بیشتر ← فرصت برای آموزش همگانی ← معرفت بیشتر. بنابراین، پیشرفت در جامعه مهـدوی نتیجـه یـک «نظـام یکپارچـه» اسـت کـه در آن هـر مؤلفـه هـم علـت پیشـرفت دیگـر مؤلفه‌هاست و هم معلول آنها. این نگاه سیستمی، تفاوت اساسی این پژوهش با آثار پیشین (که صرفاً بـه برشمردن ویژگی‌ها اکتفا کرده‌اند) را نشان می‌دهد و وعده «تحلیل روابط میان مؤلفه‌ها» را که در مقدمه داده شده بود، محقق می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پـژوهش نشـان می‌دهـد کـه پیشـرفت فرهنگـی و اجتماعـی مـورد انتظـار در عصـر ظهـور، نـه محصول یک عامل منفرد بلکه نتیجه تعامل منسجم چند مؤلفه ساختاری و رفتاری است که در پیشگویی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام بازتاب یافته‌اند. کلیدواژه‌های این فرایند عبارت‌اند از: اسـتقرار عـدالت فراگیـر، تعمیـق معرفـت و بصیـرت عمـومی، مبـارزه نظام‌منـد بـا انحرافـات اعتقـادی و اخلاقی، تقویت پیونـدهای اجتمـاعی مبتنـی بـر بـرادری دینـی، تـأمین امنیـت قضـائی و راه‌هـا، ارتقای بهداشت و درمان و توسعه ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی

این مؤلفه‌ها در کنـار هـم، زمینـه تحقـق «حیـات طیّبـه» و شـکل‌گیری تمـدن نـوین اسـلامی را فـراهم می‌آورنـد؛ به‌گونـه‌ای کـه رشـد علمـی و شـناختی، عـدالت سـاختاری و انسـجام اجتمـاعی یکدیگر را تقویت می‌کنند و موانـع فسـاد و تفرقـه را از میـان برمی‌دارنـد. از منظـر روش‌شـناختی، تحلیـل متـون روایـی و تفاسـیر شـیعی نشـان می‌دهـد کـه ایـن تحـولات هـم جنبـه هنجـاری ـ اعتقادی دارند و هم الزام‌آور برای طراحی سازوکارهای نهادی و سیاست‌گذاری فرهنگی.

بدین‌سان یافته‌های پژوهش نه تنها به گسترش فهم نظری مبانی مهدوی کمک می‌کند، بلکـه چـارچوبی معرفتـی و عملیـاتی بـرای تـدوین سیاسـت‌های فرهنگـی ـ دینـی و برنامـه‌های بین‌رشته‌ای آماده‌سازی جامعه منتظر ارائه می‌دهد. در عمل، تحقق این چشم‌انداز مستلزم برنامه‌ریزی هدفمند در حوزه‌های حقوقی، آموزشی، سلامت، امنیت و فناوری اطلاعات است تا

از ظرفیت‌های روایی به‌عنوان الگوی راهبردی برای اصلاح و ارتقای زندگی جمعی امروز بهره گرفته شود.

محدودیت‌های پژوهش

۱. این پژوهش صرفاً بر منابع روایی شیعی اثناعشری و تفاسیر مرتبط تکیه دارد و از منابع اهل سنت یا رویکردهای تطبیقی با دیگر ادیان استفاده نکرده است. تعمیم یافته‌ها به سایر سنت‌های اسلامی نیازمند احتیاط است

۲. به دلیل ماهیت کیفی و تفسیری داده‌های روایی، امکان سنجش کمی شاخص‌ها یا مدل‌سازی عددی در این مقاله وجود نداشته است.

۳. برخی روایات مورد استفاده، از نظر سندی نیازمند بررسی دقیق‌تری بودند که به دلیل محدودیت حجم مقاله، فرصت آن میسر نشد و صرفاً به منابع معروف و مشهور اکتفا گردید.

۴. این پژوهش به صورت نظری به تبیین مؤلفه‌ها و سازوکارها پرداخته و امکان‌سنجی عملیاتی کردن آنها در سیاست‌گذاری‌های عصر غیبت بررسی نشده است

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). ***الإمامة و التبصرة من الحیرة***. قم: نشر مدرسة الإمام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۴۰۹ق). ***شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*** علیهم‌السلام (محمد حسین حسینی جلالی، محقق). قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). ***تحف العقول*** (علی‌اکبر غفاری، محقق). قم: جامعه مدرسین.
- استرآبادی، علی. (۱۴۰۹ق). ***تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*** (حسین استاد ولی، محقق). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- اکبری، نعمت‌الله. (۱۳۷۸). ***مباحثی از توسعه در ایران***. اصفهان: هشت بهشت.
- اکبری، نعمت الله، و افخمی ستوده، وحید. (۱۳۸۷). ***بررسی سازگاری و نقش آموزه های اسلامی با شاخص های نوین توسعه اقتصادی***. همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد https://civilica.com/doc/49949
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). ***البرهان فی تفسیر القرآن***. قم: مؤسسه بعثه.
- بهاءالدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم. (۱۴۲۶ق). ***سرور أهل الإیمان فی علامات ظهور***

صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. قم: دلیل ما.
- حسابی، محمود. (۱۳۷۳). ***فرهنگ حسابی***. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- حسین، جاسم. (۱۳۸۶). ***تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (محمدتقی آیت‌اللهی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). ***لغت‌نامه***. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دانشگاه تهران.
- رشکیانی، مهدی. (۱۳۹۳). ***رسانه ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت***. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). ***قرآن و علم***. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۲۵ق). ***إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات***. بیروت: اعلمی.
- صادقی کاشانی، مصطفی. (۱۳۹۵). نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی. ***مشرق موعود***، ۱۰(۲)، ۶۳-۸۰.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). ***بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*** صلی‌الله‌علیه‌وآله (محسن بن عباسعلی کوچه باغی، محقق). قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی النجفی.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه. (۱۳۶۲). ***الخصال*** (علی‌اکبر غفاری، محقق). قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه. (۱۳۹۵ق). ***کمال الدین و تمام النعمة*** (علی‌اکبر غفاری، محقق). تهران: اسلامیه.
- طبری آملی صغیر، محمدبن جریربن رستم. (۱۴۱۳ق). ***دلائل الإمامة*** (ط - الحدیثة). قم: بعثت.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). ***فرهنگ عمید***. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد. (۱۳۷۵). ***روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*** (ط - القدیمة). قم: انتشارات رضی.
- قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبة الله. (۱۴۰۹ق). ***الخرائج و الجرائح***. قم: مؤسسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). ***تفسیر القمی*** (طیب موسوی جزائری، محقق). قم: دار الکتاب.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). ***الکافی*** (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، محققان). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مجتهدی سیستانی، مرتضی. (۱۳۸۵). ***دولت کریمه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف: بحث‌های جالبی درباره شکوفایی عقل و اندیشه***. قم: الماس.
- مجدی، حسین. (۱۳۹۷). ***آرمان شهر صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). ***بحارالأنوار*** (ط - بیروت). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد و همکاران. (۱۳۹۳). ***دانش‌نامه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برپایه قرآن، حدیث و تاریخ***. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- معین، محمد. (۱۳۶۰). ***فرهنگ معین***. تهران: چاپ سپهر.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق). ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***. قم: کنگره شیخ مفید.
- میرجهانی، سیدحسن. (۱۳۷۹). ***نوائب الدهور فی علائم الظهور***. تهران: انتشارات کتابخانهٔ صدر.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). ***الغیبة*** (علی‌اکبر غفاری، محقق). تهران: نشر صدوق.
- یزدی حائری، علی. (۱۴۲۲ق). ***إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***. بیروت: مؤسسة الأعلمی.